

سفرنامه دوم مظفرالدین شاه به فرنگ

دوره قاجاریه در ایران، از دوران‌های عجیب و شگفت محسوب می‌شود. بی‌کفایتی و بلاهت شاهان و حاکمان در هیچ دوره‌ای از ادوار تاریخ ایران به این اندازه نبوده است. جامعه ایران در تاریکی و فلاکت دست و پا می‌زد و از طرفی، ارباب تمدن در جهان، دو اسبه می‌تاخت. شاهان قاجار که در کوچک‌عقلی و کوتاه‌فکری، یکی از دیگری بدتر بودند، بسیار مجذوب و شیفته ترقیات ممالک اروپایی می‌شدند و پیشرفت‌های علمی و اجتماعی آنها، شاهان قدرقدرت را همچون کودکانی که از بازیچه‌ای بر سر ذوق آیند، مجذوب و مبهوت می‌کرد. ارتباط با اروپاییان، که از دوره صفویه به صورت تبادل نمایندگان سیاسی و تجاری بین ایران و ممالک اروپایی آغاز شد، در این دوره با مسافرت‌های سیاحتی شاهان قاجار به اروپا و اقامت‌های طولانی و پرهزینه در تفرجگاه‌های اروپا ادامه یافت. «مظفرالدین شاه که در دوران ولایت‌عهدی خود هیچ سفری به خارج از کشور نکرده بود، در دوران حکومت سه بار به بهانه بیماری و ابتلا به نقرس و برای مداوا و استفاده از آب‌های معدنی، به فرنگ سفر کرد؛ بار اول در تابستان ۱۳۱۸ قمری، برابر با ۱۹۰۰ میلادی، به همراهی امین‌السلطان و ملتزمین رکاب عازم اروپا شد و از کشورهای روسیه و فرانسه بازدید کرد و با آنکه بازدید از کشورهای انگلستان و آلمان و ایتالیا نیز در برنامه سفر شاه پیش‌بینی شده بود، «بدان علت



- * سفرنامه دوم مظفرالدین شاه به فرنگ.
- * با مقدمه و حواشی دکتر احمد خاتمی.
- * چاپ اول، تهران: نشر شهپر ۱۳۸۷.

که دربار کشورهای مزبور به سبب مرگ شاهزاده ساکس کوبورگ کتا عزادار بودند، از برنامه سفر شاه حذف گردید».

در سال ۱۳۲۰ قمری، مظفردالدین شاه که نتوانسته بود در سفر اول خود از انگلستان دیدن کند، مجدداً عازم اروپا شد و در روز هفدهم ماه اوت ۱۹۰۲ به لندن رسید و در کاخ «مالبرو» که برای پذیرایی او آماده شده بود، اقامت گزید... شاه پس از چند روز توقف در لندن، عازم پاریس شد و روز چهاردهم سپتامبر ۱۹۰۲ از پاریس به سمت ورشو، مرکز حکومت لهستان، که در آن زمان تابع روسیه تزاری بود، حرکت کرد و از راه روسیه به ایران بازگشت» (مقدمه: صص پنج و شش). مظفردالدین شاه، همچون ناصرالدین شاه، مشاهدات خود در این سفرها را یادداشت می‌کرد و سفرنامه‌هایی ترتیب می‌داد. «آثار عهد قاجاری، به‌ویژه از دوره حکومت ناصری به بعد، ویژگی‌هایی دارند که شناخت ادبیات معاصر ایران بدون آگاهی دقیق از آنها ناتمام است؛ زیرا دوره قاجار، دوره تحولات فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایران است؛ دوره آشنایی با فرهنگ و تمدن اروپایی و دوره انتقال به تجدد و نوگرایی است. در تحولات این دوره، آنچه بیش از همه اثرگذار و اثرپذیر بوده، ادبیات به معنای عام آن، یعنی مجموعه متون منثور و منظوم، بوده است. آغاز دگرگونی‌ها در قالب و مضمون نثر و نظم در این مقطع زمانی بر کسی پوشیده نیست. گرایش شاعران و نویسندگان به ساده‌گویی و ساده‌نویسی، که از میانه دوره قاجاری آشکارا محسوس است، به عوامل بستگی دارد که از میان آنها می‌توان به پیدایش مطبوعات، تأسیس مدرسه دارالفنون، توجه به ترجمه آثار غربی و نوشتن سفرنامه‌ها اشاره کرد. اگرچه سفرنامه‌نویسی در ایران سابقه‌ای طولانی دارد، اما سفرنامه‌های دوره قاجار از آن جهت که با سبک و انشائی ساده و روان نوشته شده‌اند و از تکلف منشیانه دورند، با سفرنامه‌های پیشین متفاوتند».

مظفردالدین شاه «به تقلید از پدر سعی نموده است مشاهدات خود را در طول سفر به رشته تحریر درآورد و برای این کار هم از به‌کارگیری واژگان غیرفارسی و رویکرد به ساده‌نویسی چاره‌ای نداشته است. ساده‌نویسی ناصرالدین شاه و مظفردالدین شاه در سفرنامه‌های خود، بدون تردید از هیبت و شکوه نثر مصنوع کاست و زمینه را برای ساده‌نویسی فراهم کرد و این همان نکته‌ای است که بررسی این سفرنامه را از جهت اثرگذاری در ادبیات معاصر ایران معنی‌دار می‌کند» (مقدمه: صص هفت و هشت). کتاب *سفرنامه دوم مظفردالدین شاه* به فرنگ، شامل پیشگفتار، نگاهی به تاریخ، و بررسی سفرنامه دوم از نظر ادبی است که مقدمه کتاب را تشکیل می‌دهد. متن کتاب، نقل وقایع سفر مظفردالدین شاه به اروپاست و به صورت

روزشمار تنظیم شده است. عکس‌هایی از مظفردالدین شاه در لابه‌لای متن گنجانده شده و در حواشی، یادداشت‌هایی برای رفع ابهام از متن آمده است. در پایان کتاب، فهرست راهنما، شامل اسامی اشخاص و اماکن و نیز اصطلاحات و تعبیرات آمده است. نمونه‌ای از نثر کتاب:

شنبه، بیستم ربیع الثانی

صبح ساعت هشت از خواب برخاستیم نمازمان قضا شده بود نماز خواندیم قرآن خواندیم و آمدیم پائین. جناب اشرف اتابک اعظم آمدند رفتیم اطاق بیلبارد بازی می‌کردیم. دو تفنگ دولوله هم که به توسط دکتر آدکاک از لندن خواسته بودیم آورده بودند یکبار بیکصد لیره خریدیم ده لیره هم فشنگش را خریدیم. خیلی تفنگ اعلائی خوبی است. رفتیم کنار دریا چند تا لیموی ترش آوردند نشانه گذاشتیم اغلب را زدیم. بعد آمدیم به اطاق خودمان تلگراف و کاغذ زیادی جناب اشرف اتابک اعظم آورد همه را خواندیم. خودمان هم چند کاغذ نوشتیم بعد نهار خوردیم بعد از نهار دو ساعت خوابیدیم از خواب که برخاستیم کالسکه خواستیم و سوار شدیم رفتیم از جلو کورسال گذشتیم. پارکی بود رفتیم به پارک بسیار جای باصفائی بود چائی خوردیم و گردش کردیم و از آنجا رفتیم باگاریم. حقیقتاً خیلی آگاریم خوبیست. بعد از آگاریم برلن اول آنجا است. انواع ماهی‌ها و مارماهی‌ها داشت یکتوع ماهی بود که تا بحال همچو ماهی ندیده بودیم پششش یک‌خار سیاهی داشت خودش به شکل عقرب، عرض کردند بسیار خطرناک است و زهرش آدم را که بزند فوراً میمیرد. خیلی چیز غریب بود. چون زیرزمین هوای جسمی داشت قدری سرمان گیج رفت. فوراً آمدیم بالا و سوار کالسکه شدیم رفتیم بهوتل کیتمان چائی نخوردیم دو سه تا هلو خوردیم و آمدیم منزل. نمیدانستیم که امشب باید به تئاتر [تئاتر] برویم. بصیرالسلطنه آمد عرض کرد گویا امشب باید به تئاتر [تئاتر] تشریف به‌برید. فرستادیم از جناب اشرف اتابک اعظم پرسیدند عرض کرده بود بلی باید به تئاتر [تئاتر] برویم. ما هم لباس مشکی پوشیدیم و ساعت ده رفتیم به تئاتر [تئاتر] خیلی تئاتر [تئاتر] خوبی بود بازی‌گرها با لباس‌های خوب خیلی قشنگ رقصیدند و بسیار خوب خواندند دیگر بهتر از این نمیشد خیلی نقل داشت دو پرده بالا رفت دورنماهای قشنگ داشت صورت دریا و حمامها پانورامای خوبی ساخته بودند که بعین مثل خود دریا. تا نصف شب نشستیم چون شام نخورده بودیم و گرسنه‌مان بود. نصف شب برگشتیم بمنزل شام خوردیم. الآن یکساعت از نصف شب گذشته با فخرالملک و سیف‌السلطان و بصیرالسلطنه در بالکن راه می‌رویم. امیربهار جنگ هم حالا آمد. موج دریا، چراغهای آنها عالم غریب است مردم همه اغلب خوابیده‌اند. بعد از گردش زیاد ما هم خوابیدیم.